

## عرفانی دانستن همه اشعار حافظ درست نیست

بعضی‌ها آن قدر بزرگ و عالی‌مرتب‌ه هستند که نیاز چندانی به معرفی ندارند. بزرگانی که تاریخ و تمدن این سرزمین کهن نمونه‌های بسیاری از آنان را در بطن خود جای داده است.



با سعید حمیدیان، استاد دانشگاه علامه و حافظ پژوه

### عرفانی دانستن همه اشعار حافظ درست نیست

بعضی‌ها آن قدر بزرگ و عالی‌مرتب‌ه هستند که نیاز چندانی به معرفی ندارند. بزرگانی که تاریخ و تمدن این سرزمین کهن نمونه‌های بسیاری از آنان را در بطن خود جای داده است.

خواجه حافظ شیرازی یکی از این افراد است. او شاعر و عارفی است که از سال‌ها پیش تقویم رسمی کشور، 20 مهر را به عنوان روزی برای پاسداشت مقام و جایگاه والای او قرار داده است. سراغ یکی از استادان فعال در حوزه حافظ‌شناسی رفته ایم تا با او درباره زندگی و شعر خواجه شیراز به گفت‌وگو بنشینیم. دکتر سعید حمیدیان که بیش از 3 دهه زندگی خود را صرف نوشتن شرحی بر تمام سروده‌های این بزرگ مرد ادبیات کلاسیک فارسی کرده است. به بهانه انتشار مجموعه 5 جلدی شرح او بر اشعار حافظ به گفت‌وگویی با این استاد دانشگاه علامه طباطبایی می‌نشینیم. البته قبل از آن شاید بد نباشد بدانید حمیدیان از جمله مصححان و مترجمان فعال کشورمان در بخش زبان و ادبیات فارسی به شمار می‌آید.

پیشتر در یکی از گفت‌وگوها به این نکته اشاره کردید که شرح شما برخلاف دیگر شرح‌هایی که بر اشعار حافظ نوشته شده سنتی نیست. گفته بودید که با رویکردی تازه این کار را انجام داده‌اید! درباره نگاهی که در انجام این پژوهش داشته‌اید؛ بگویید؟

البته من به این نکته که رویکردی نو داشته‌ام اشاره ای نکردم. فقط گفته بودم که رویکرد من در انجام این اثر پژوهشی و تالیفی سنتی نیست. البته می‌توان این طور هم استنباط کرد که با رویکردی جدید به این مساله پرداخته‌ام چراکه در شیوه سنتی هر بیتی را جدا از ارتباط آن با دیگر اجزای شعر شرح می‌دادند. این شارحان معتقدند که ابیات حافظ چندان به هم مرتبط نیستند و با توجه به شیوه ای که آنها پی می‌گیرند در موارد زیادی در میان شرح‌هایشان به تناقض هم می‌رسند.

به عنوان نمونه زمانی که بیت‌های یک غزل را شرح می‌دهند و در شرح یکی از بیت‌ها با نقیض شرح بیت دیگری از همان شعر روبه‌رو می‌شوند.

پس معتقدید شرح‌هایی که تا به امروز از اشعار حافظ انجام شده چندان اصولی نیست؟

به نظر من شرح‌هایی که تا به امروز از اشعار حافظ شده، از تاملاتی چون تاملات ساختاری برخوردار نیستند.

یعنی شرح‌هایی که افرادی همچون احمد شاملو یا بهاءالدین خرمشاهی انجام داده‌اند در این دسته جای می‌گیرند؟

شاملو که شرح انجام نداده. او فقط ادعای تصحیح دیوان حافظ را داشته است. به عقیده من تصحیح او هم نامعتبرترین چاپی است که در زمان ما از حافظ انجام شده است، چرا که این تصحیح از هیچ پشتوانه علمی قابل قبولی برخوردار نیست. شرحی که من بر اشعار حافظ انجام داده‌ام براساس تاملاتی نوشته شده و از جمله آنها همان بحث توجه به ساختار کلی شعر است. به گونه ای که برای شرح هر بیت به ساختار کلی شعر هم توجه داشتم. تمام تلاش من این بود که شرح هر بیت جدا از ساختار و محتوای کل شعر نباشد. این اقدامی است که گمان می‌کنم تا به امروز انجام نشده است.

یعنی شما اولین پژوهشگری هستید که به این شیوه بر اشعار حافظ شرح نوشته است؟

با توجه به شرح‌هایی که در ارتباط با غزلیات و دیگر اشعار حافظ دیده‌ام گمان می‌کنم که شرح من نخستین شرح با این شرایط باشد. البته باید این نکته را هم اضافه کنم که غیر از شرح خرمشاهی و شرح‌هایی مثل شرح هروی که متعلق به زمان ماست در طول تاریخ شرح‌هایی با عنوان شرح‌های عرفانی از غزل‌های این شاعر شیرازی انجام شده است. به عقیده من پرداختن به شرح اشعار بزرگان با این قبیل نگاه‌ها اشتباه بسیار بزرگی است.

با این که از نگاه یا زاویه خاصی همچون عرفان به شرح دیوان حافظ پرداخته شود مخالف هستید؟

بله. این که ما هر چیزی را بر فرض بخواهیم به عرفان ربط بدهیم اشتباه است. عرفان در شعر شاعرانی همچون حافظ تنها جزئی از اندیشه های آنان به شمار می آید. به عنوان نمونه در یکی از شرح های دیوان حافظ جایی که او از شاه شجاع گفته است شارحی این طور آورده که مراد حافظ از شاه شجاع حضرت حق تعالی بوده است! این در صورتی است که ما می دانیم شاه شجاع، شاه معاصر حافظ بوده و با او ارتباط هم داشته است و حافظ در غزل های فراوانی از او یاد کرده است. این قبیل شرح ها به نظر من بسیار دور از واقعیت هستند.

به این اشاره کردید که به نظر شما شرح هر شعر باید با توجه به ساختار آن باشد. شرح بیت به بیت و بدون توجه به ساختار کلی شعر به اثر مورد نظر آسیب می زند؟

بله. همین طور است. آسیبی که حتی ممکن است شما را به تناقض در شعر مورد نظر برساند. تناقضاتی این چینی در نتیجه بی دقتی ماست وگرنه شاعر تناقضی در شعر خود نداشته است. باز هم تاکید می کنم که هر بیت درون یک کلیت قرار گرفته و بر همان اساس هم باید شرح داده شود. از افرادی که به شرح بر مبنای روش سنتی معتقد هستند باید پرسید که آیا قبول دارند که شعر هم یک اثر هنری است؟ اگر قبول دارند باید بدانند که هر مخلوق هنری از یک انسجام درونی خاص خودش برخوردار است.

ما نمی توانیم اجزای آن را بی ارتباط از هم در نظر بگیریم. ممکن است که اشتباه کنیم و تشخیص ندهیم که انسجام و ساختار آن به چه گونه است ولی این عیب ماست؛ نه عیب شعر! از همین رو من نمونه های متعددی از این تناقض ها در کتاب مطرح کرده ام تا مخاطب بدانند که توجه به خط و ربط اصلی و ساختار شعر از چه اهمیتی برخوردار است.

شرحی که شما انجام داده اید براساس تصحیح دکتر خانلری بود؟

بله، همین طور است.

چرا این تصحیح را انتخاب کردید؟

به این دلیل که تصحیح خانلری جدیدترین تصحیح معتبر دیوان حافظ به شمار می آید. البته من گذشته از کتاب مرحوم خانلری به تصحیح مرحوم علامه قزوینی هم مراجعه کردم. قزوینی حدود 75 سال قبل که هنوز چند نسخه قدیمی حاضر کشف نشده بودند این کار را انجام داد. در حالی که بعد از چاپ قزوینی به مرور نسخه های قدیمی تری که به زبان حافظ نزدیک تر هستند کشف شدند. در چاپ خانلری همه این نسخه ها به کار گرفته شده اند. با این وجود هنوز هم معتقدم که قزوینی در موارد قابل توجه و زیادی حتی به تصحیح خانلری هم برتری دارد.

به هر حال این یک امر نسبی است و نمی توان به قطعیت درباره آن صحبت کرد. هیچ کدام از تصحیح هایی که تا به امروز انجام شده اند مطلق و ابدی نیستند. هر کدام از اینها یک یا چند قدم جلوتر از کارهای قبلی هستند اما هیچ کدام مطلق نیستند. به هر حال باید توجه کرد بیشتر تحقیقاتی که در طول 20، 30 سال گذشته درباره حافظ انجام شده براساس تصحیح خانلری بوده است.

به سه دهه ای اشاره کردید که برای شرح اشعار حافظ صرف کرده اید. چطور شد که زمان قابل توجهی از عمر خود را هزینه این کار کردید؟

حدود 24 سال از تاریخی که شروع به یادداشت برداری جدی از دیوان حافظ کردم می گذرد. 24 سال از این سه دهه تنها به فیش برداری، تحقیق و مطالعه اختصاص پیدا کرد. البته نه این که گمان کنید همه این سال ها به طور پیوسته به این کار پرداخته ام! نه! گاهی هم وقفه ای در کار ایجاد می شد و دوباره شروع می کردم.

گاهی اوقات هم پیاپی به این کار می پرداختم. بعد از یادداشت برداری هم همان طور که می دانید باید یادداشت ها را جمع آوری و بازبینی دوباره می کردم. در نهایت هم یادداشت های خوب برای نگارش کتاب استفاده شد. تازه در این زمان است که تالیف آغاز می شود. بعد از تنظیم و اصلاح یادداشت ها، تحریر و چاپ کتاب هم حدود شش سالی را به خود اختصاص داد. در کل می توان گفت که 30 سال از عمر من به انجام این کار اختصاص پیدا کرد.

امروز روز بزرگداشت حافظ است. زندگی امروز ما چقدر به بازشناساندن بزرگانی همچون حافظ نیاز دارد؟

نه فقط حافظ بلکه سه بزرگ دیگری که از آنها در کنار حافظ به عنوان چهارستون زبان و ادب فارسی یاد می شود هر کدام خدمات

بزرگی به زبان و ادب این سرزمین باستانی کرده اند. فردوسی، مولانا، سعدی و حافظ که هیچ کدام را هم نمی توان برتر از دیگری دانست. هر کدام از این ها در دوره خود چهره ای برتر بوده اند.

علاوه بر این شاعرانی همچون نظامی، خاقانی و... نیز در مرتبه بعد از این افراد قرار می گیرند. به هر حال این افراد مفاخر فرهنگی ما به شمار می آیند. به گونه ای که بخش اعظمی از فرهنگ ما بر مبنای آثار این بزرگان شکل گرفته و حتی حفظ شده است. این که ما گمان کنیم باید شعر سعدی یا حافظ را سرمشق قرار دهیم نه شدنی است و نه ضرورتی دارد. هر کدام از این افراد با توجه به زمان خود آثارشان را خلق کرده اند. زمان هایی که بسیار متفاوت از زمان ما بوده است و نباید فضای فرهنگی گذشته را هم فراموش کنیم.

یعنی شما معتقد هستید که برای آثار بزرگانی چون حافظ می توان زمان قائل شد؟

نه! این برداشت درستی از گفته های من نیست. معمولا آثاری از این دست بی زمان هستند. حرف من این است که باید حواسمان باشد که بالاخره هر یک از این بزرگان تحت تاثیر مجموعه ای از عوامل اشعاری سروده اند. شاهکارهای ادبی جهان هیچ گاه کهنه نمی شوند. اگر زمانی شکسپیر در ادبیات انگلیسی کهنه شد؛ حافظ هم می شود. این بزرگان در بطن تاریخ و فرهنگ جهان جای گرفته اند. البته همان گونه که گفتم ما هم محدود به زبان و مکان خودمان هستیم.

مریم شهبازی / جام جم